

روانشناسی در روسیه تزاری و شوروی

تاریخچه روانکاوی در روسیه:

آغاز در دهه ۱۹۱۰ و ۱۹۲۰

از پایان قرن نوزدهم، روانشناسی و روانپزشکی در روسیه تحت سلطه درک علمی فرآیندهای روانشناختی قرار گرفته است، که نام ایوان سچنوف، ولادیمیر بخترف و ایوان پاولف را از پیشگامان آن می‌توان به‌شمار آورد. با این وجود، روانکاوی در اوایل توانست جای پای در اینجا به دست آورد، که ولادیمیر سربسکی، اصلاحگر روانپزشکی آموزش دیده در وین، سهم به‌سزایی در آن داشت. شاگردان او ایوان ارماکوف و نیکولای اوسیپوف و همچنین روانپزشکان لئونید دروسنس، تاتیانا روزنتال و موشه وولف از اولین روانکاوان در روسیه بودند.

ارماکوف، مدیر کلینیک دانشگاه روانپزشکی مسکو از سال ۱۹۱۱، بیشتر به خاطر مطالعات روانکاوی خود در زمینه هنر و ادبیات شهرت داشت. اوسیپوف سرپرستی یک کلینیک سرپایی روانکاوی در بیمارستان دانشگاه روانپزشکی مسکو را بر عهده داشت، او یکی از آغاز کنندگان یک گروه بحث روانکاوی، به اصطلاح «جمعه‌های کوچک» بود و انجمن روانکاوی مسکو را در سال ۱۹۱۱ تأسیس کرد. از سال ۱۹۰۹، همراه با نیکولای ویروبووف، مجله روان‌درمانی را ویرایش کرد که مقالات روانکاوی (عمدتاً با گرایش آدلری) را منتشر می‌کرد تا اینکه در سال ۱۹۱۵ متوقف شد.

موشه وولف که آموزش روانکاوی خود را در برلین گذرانده بود، مجموعه‌ای از کتابها را در مورد پرسش‌های روانکاوی در اودسا منتشر کرد و مانند اوسیپوف، با ترجمه‌های خود از آثار متعدد زیگموند فروید، اصطلاحات روانکاوی روسی را شکل داد.

دروسنس، درمانگر «گرگمرد» سرگئی پانکجف، و تاتیانا روزنتال، که از سال ۱۹۱۱ عضو انجمن‌های روانکاوی وین و برلین بود، در دهه ۱۹۱۰ به عنوان روانکاو در پترزبورگ کار می‌کردند. در سال ۱۹۱۹، روزنتال مدیریت پلی کلینیک مؤسسه تحقیقاتی آسیب‌شناسی مغز در پترزبورگ را بر عهده گرفت و در آنجا به روانکاوی با بیماران روان رنجور پرداخت.

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در ابتدا جنبش روانکاوانه روسیه را در حالت خوش بینی قرار داد. بلشویک‌ها در ابتدا پذیرای آموزه‌های فروید بودند زیرا انتظار داشتند که آموزش روانکاوانه سهم مهمی در تربیت «انسان نوین شوروی» داشته باشد. ارماکوف و وولف در سال ۱۹۲۱ انجمن روانکاوی را برای مطالعه آفرینش هنری در مسکو تأسیس کردند. در همان سال، ورا اشمیت، مربی، آزمایشگاه خانه کودکان دتسکی دام را در مسکو افتتاح کرد - به نام «همبستگی بین المللی» از سال ۱۹۲۲ - که در آن از روش‌های

آموزشی مارکسیستی و الهام گرفته از روانکاوی استفاده شد. در سال ۱۹۲۲، دکتر و بعدها روانشناس اعصاب، الکساندر لوریا، جامعه‌ای روانکاوانه را در کازان، متشکل از پزشکان - از جمله رزا اوربوخ - مربیان، روانشناسان و یک مورخ که درباره نوشته‌های فروید و سازگاری روانکاوی و مارکسیسم بحث می‌کرد تأسیس کرد.

همچنین در سال ۱۹۲۲، ایوان ارماکوف و موشه وولف با حمایت کمیساریای خلق برای روشنگری «انجمن روانکاوی روسیه» و در سال ۱۹۲۳ «مؤسسه دولتی روانکاوی» را تأسیس کردند.

انجمن روانکاوی روسیه را انجمن بین‌المللی روانکاوی در سال ۱۹۲۴ به رسمیت شناخت که در آن زمان بیست عضو داشت، از جمله ارماکوف (به عنوان رئیس)، اسپیلرین، وولف، لوریا، اتو و ورا اشمیت، اوربوخ، پاول بلونسکی، یوری کانابیچ، بوریس فریدمن و استانیسلاس چاتسکی. در این دوران جنبش روانکاوی که مورد حمایت بسیاری از روشنفکران آوانگارد مانند فیلمسازی که سرگئی آیزنشتاین به آن علاقه داشت، در روسیه به اوج خود رسید.

ویژگی خاص روانکاوی شوروی در طول دهه ۱۹۲۰ نزدیکی آن به قدرت سیاسی بود که سعی داشت از آن برای آموزش سوسیالیستی استفاده کند (کلید واژه: پدولوژی). اما با استقرار ریاست استالین، روانشناسی بازتابی پاولویی، مبتنی بر مارکسیسم-لنینیسم، تنها معیار علم ماتریالیستی «انسان تراز نوین» شد. در حالی که تروتسکی همچنان برای ادغام روانکاوی به عنوان یک مورد خاص از نظریه رفلکس شرطی در روانشناسی ماتریالیستی بحث می‌کرد، در اواسط دهه ۱۹۲۰ مورد انتقاد فزاینده‌ای قرار گرفت. مهمتر از همه، «ایدئالیسم» فراروشناسی فرویدی، «فردگرایی بورژوازی» و نقش مرکزی جنسیت مورد حمله قرار گرفت. فرودو مارکسیست‌های روسی مانند لوریجا تلاش کردند تا زمانی که نظریه جنسی کنار گذاشته شده بود، روانکاوی را با بازتاب‌شناسی پاولوف سازگار اعلام کنند.

استالین و پرسترویکا:

در سال ۱۹۲۵، خانه کودکان روانکاوی ورا اشمیت به دستور شورای بزرگ کمیسرهای خلق منحل شد و چند ماه بعد مؤسسه دولتی روانکاوی تعطیل شد. در سال ۱۹۲۷، موشه وولف، رئیس وقت انجمن روانکاوی روسیه، به آلمان مهاجرت کرد و کانابیچ جانشین او شد. در سال ۱۹۳۰ انجمن روانکاوی روسیه رسماً منحل شد. در سال ۱۹۳۶، استالین آموزه‌های فروید را ممنوع کرد و نوشته‌های او در کابینت‌های سمی کتابخانه‌ها قرار گرفت.

در طول دوره جنگ سرد پس از ۱۹۴۵، روانکاوی در اتحاد جماهیر شوروی به عنوان

یک ایدئولوژی ارتجاعی در خدمت امپریالیسم آمریکا تلقی می شد - قضاوتی که احزاب کمونیست کشورهای دیگر نیز اتخاذ کردند. تا دهه ۱۹۷۰، روانشناسی و روانپزشکی عمدتاً در به روی روانکاوی بسته بودند. بر اساس رفلکسولوژی، به روانها و روان‌پریشی‌ها توضیحی کاملاً فیزیولوژیکی داده شد، و بر این اساس، درمان آنها عمدتاً به هیپنوتیزم - شکلی از درمانی که به طور سنتی در روسیه ترجیح داده می‌شود - و شیمی‌درمانی کاهش یافت.

آکادمی علوم گرجستان در تفلیس نقش مهمی در توانبخشی روانکاوی در سمپوزیومی در مورد ناخودآگاه که آکادمی در سال ۱۹۷۹ برگزار کرد، ایفا نمود که در آن دانشمندان شوروی و روانکاوان، فیلسوفان و زبان‌شناسان غربی شرکت کردند. سیاست پرسترویکا در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ به نفع تجدید حیات جنبش روانکاوانه روسیه بود. در سال ۱۹۸۹، همه آثار فروید دوباره ترجمه و منتشر شد و در سال ۱۹۸۸ یک بخش روانکاوی در انجمن روانشناسان فعال به سرپرستی پاول اسنشنیوسکی ایجاد شد. در سال ۱۹۹۶، رئیس جمهور بوریس یلتسین فرمان احیای روانکاوی در روسیه را امضا کرد. نهادسازی:

در سال ۱۹۸۹ انجمن روانکاوی شوروی در مسکو تأسیس شد که در همان سال از انجمن بین‌المللی روانکاوی وضعیت یک گروه مطالعه مهمان را دریافت کرد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، این انجمن در سال ۱۹۹۱ به انجمن روانکاوی روسیه تغییر نام داد و تا سال ۱۹۹۵ وجود داشت. اولین رئیس آن روانپزشک آرون آی بلکین بود. انجمن‌های روانکاوی نیز در سن پترزبورگ (۱۹۹۰)، روستو (۱۹۹۱) و یکاترینبورگ ظهور کردند. در سال ۱۹۹۱، بولتن روانکاوی روسی، یک مجله روانکاوی، دوباره در روسیه ظاهر شد.

در سال ۱۹۹۱، مؤسسه روانکاوی اروپای شرقی در سن پترزبورگ، اولین مرکز آموزشی پس از شوروی برای روانکاوان از سراسر روسیه (مدیر: میخائیل رشتنیکوف) تأسیس شد. در سال ۲۰۱۶ اعتبارنامه دولتی این مؤسسه به دلایل نامشخصی پس گرفته شد و علیه آن در دادگاه‌های مختلف شکایت کرد.

در سال ۱۹۹۷، انجمن روانکاوان مسکو ظهور کرد که از حلقه روسی لاکانی محور مدرسه اروپایی روانکاوی، که از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ دایر بود، ظهور کرد. رئیس انجمن روانکاوی شوروی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ و از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ ویکتوریا پوتاپووا بود و رئیس فعلی پاول کاتچالوف است. هر دو دوره آموزش روانکاوی خود را در انستیتو روانکاوی در پاریس به پایان رساندند.

روانکاوی کودک نیز توانست خود را در روسیه تثبیت کند. در سال ۱۹۹۸، با همکاری نزدیک با مرکز آنا فروید لندن، انجمن روانکاوی کودکان سن پترزبورگ تأسیس شد که اولین رئیس آن نینا لئونیدوونا واسیلیوا بود. رئیس فعلی والننتینا ایوانووا است. انجمن

روانکاوی کودک سن پترزبورگ از سال ۲۰۰۵ عضو کامل فدراسیون روان درمانی روانکاوی اروپا بوده است. در مسکو، اعضا و نامزدهای انجمن روانکاوی شوروی و انجمن بین المللی روانکاوی، انجمن روان درمانی روانکاوی کودک را در سال ۲۰۱۹ تأسیس کردند. انجمن روان درمانی روانکاوی کودک مسکو یکی از اعضای وابسته فدراسیون روان درمانی روانکاوی اروپا است. رئیس فعلی آن مارگاریتا نسترنکو است.

- Fischer, Eugenia, und René Fischer: Psychoanalyse in Rußland. In Psychologie des 20. Jahrhunderts III: Freud und die Folgen (2). Zürich 1977, 122-124
- Fischer, Eugenia, und René Fischer: Russia (after the ending of dictatorship). In P. Kutter (Hg.): Psychoanalysis International, Bd. 2. Stuttgart-Bad Cannstatt 1995, 345-350
- Katchalov, Pavel, und Hervé Benhamou: Russie. In Dictionnaire international de la psychanalyse (2002). Hg. von A. de Mijolla. Paris 2005, 1586-1589
- Kloocke, Ruth: Mosche Wulff. Zur Geschichte der Psychoanalyse in Rußland und Israel. Tübingen
Tögel, Christfried: Lenin und Freud. Zur Frühgeschichte der Psychoanalyse in der Sowjetunion.

روانکاوی در روسیه: ارتباط خطرناک با قدرت

پس از انقلاب اکتبر، روانکاوی روسی شکوفایی مختصری را تجربه کرد. برای بلشویک های چپ تحت رهبری لئون تروتسکی، آن را وسیله ای برای آموزش انسان نوین می دانند. اما "فرویدیسم" همچنان در روسیه بحث برانگیز است – و در نهایت ممنوع است.

تحت حکومت بلشویک ها، روسیه در معرض مدرنیزاسیون بی رحمانه قرار می گیرد و به یک میدان آزمایش افسارگسیخته برای ایده های مدرنیته تبدیل می شود – آزمایشگاهی برای بینش ها و کابوس های علمی، اجتماعی و فنی. آنها می خواهند نه تنها در روسیه بلکه در سراسر جهان جامعه ای غیر سلطه، بی طبقه و عادل بسازند. آن ها می خواهند آنچه را که فیلسوفان و شاعران در غرب تنها رویای آن را در سر می پروراند درک کنند: یعنی خلق انسان نوین. دستگاه کاملاً کارآمد به عنوان یک مدل عمل می کند.

تروتسکی در سال ۱۹۲۴ تصریح کرد: «انسان [. .] مأموریت دارد که حرکت اندام های خود را برای دادن بالاترین وضوح، کاربردی، صرفه جویی و در نتیجه زیبایی برای خود هدف، برای ایجاد یک نوع اجتماعی-بیولوژیکی بالاتر و اگر بخواهید - آبرمرد دنبال کند.

آنچه به نفع انقلاب است:

بلشویک ها برای رسیدن به اهداف خود ابزاری سازی سیاسی علم را ترویج می کنند. پروژه ها، آزمایشگاه ها و مؤسسات بی شماری در زمان بی سابقه ای ساخته می شوند. همه آنها بر این واقعیت بنا شده اند که می توانند خود را به عنوان مرتبط با اهداف انقلاب مشروعیت بخشند. روانکاوی روسی نیز به پروژه انسان نوین بستگی دارد - این تنها دلیلی است که حتی در اتحاد جماهیر شوروی مجاز است.

روانکاوان روسی بر عنصر آموزشی و مسئله پیشگیری از روان رنجوری تأکید دارند. با این حال، این فقط انگیزه های ایدئولوژیک نیست که کمونیست ها را به حرکت در می آورد، مشکلات عملی بسیار ملموسی نیز وجود دارد: در آشفتگی جنگ، جنگ داخلی و انقلاب، تخمین زده می شود که هفت تا نه میلیون کودک و جوان بستگان خود را از دست داده اند و در اطراف به غارتگری روی می کنند .

عمر کوتاه یک جمهوری مردمی:

مسئولیت سیاسی روانکاوی بر عهده "کمیساریای خلق برای روشننگری" بود که در دهه ۲۰ و ۳۰ همه عرصه های فرهنگی را تحت کنترل داشت. در بهار ۱۹۲۱، انجمن روانکاوی برای مطالعه آفرینش هنری در مسکو تأسیس شد. اعضا شامل استادان سرشناس و مقامات بلشویکی هستند.

به عنوان مثال، استاد ریاضیات، اتو اشمیت (۱۹۵۶-۱۸۹۱)، که به عنوان مدیر انتشارات دولتی "گوسیدات"، با آثار زیگموند فروید، آنا فروید، کارل آبراهام و دیگران امکان تأسیس یک کتابخانه روانشناختی و روانکاوی را فراهم کرد. الکساندر برنشتاین (۱۹۲۲-۱۸۲۰)، مدیر کلینیک اعصاب مسکو، نیز یکی از اعضای مؤسس آن بود. هنگامی که او در ماه مه ۱۹۲۱ برای راه اندازی یک خانه روانکاوانه برای کودکان سالم پیش دبستانی درخواست داد، بلافاصله موافقت شد. آزمایشگاه خانه کودکان دتسکی دام در ماه اوت شروع به کار کرد.

آموزش در جمع:

پیش نویسی دست نویس گزارشی از خانه کودکان ایوان یرماکو (۱۹۴۳-۱۸۷۵) می گوید که هدف دتسکی دم "تربیت یک شخصیت اجتماعی ارزشمند در جمع است" که

وظایف علمی آن "مشاهدات هدایت شده به روش" و توسعه روش هایی برای پیشگیری از روان رنجوری است. روانکاوی "موثرترین روش برای رهایی فرد آسیب دیده از محدودیت های اجتماعی است." در حالی که پرماکوف رسماً به عنوان مدیر عمل می کند، مدیریت سازمانی و مسئولیت عملی بر عهده آموزگار ورا اشمیت است.

طبقه دوم ویلای باشکوه ریابوشینسکی در نیکیتسکایای کوچک در اختیار آزمایشگاه خانه کودکان قرار گرفته است. انتشارات دولتی و مؤسسه دولتی روانکاوی نیز در آنجا مستقر هستند. در ابتدا سی کودک در آنجا زندگی می کنند که به سه گروه سنی تقسیم می شوند. مریبان به تعدادی از اصول پایبند هستند: هیچ مجازاتی وجود ندارد. حتی نباید با لحن سخت با بچه ها صحبت کرد. از هرگونه ارزیابی ذهنی کودکان باید اجتناب شود. اظهارات جنسی برای کودکان مجاز است. وقتی بچه ها دعوا می کنند، توهین کننده سرزنش نمی شود، بلکه دردی که برای طرف مقابل ایجاد کرده است، برای او توصیف می شود. مریبان باید محتاط، نوازش کننده باشند.

علیرغم تمام تلاش های فرویدیست ها برای مشروعیت بخشیدن به آن، آزمایشگاه خانه کودکان در سراسر حیات خود بسیار بحث برانگیز باقی ماند. از همان ابتدا شایعاتی مبنی بر سوء استفاده جنسی شروع شد. چندین بار توسط کمیسیون های تحقیق بررسی می شود که همه آنها به نتایج خوبی می رسد. با این وجود منابع مادی و مالی روز به روز کاهش می یابد.

هدف توسعه:

همانطور که در غرب، در حلقه روانکاوان چپ مانند ویلهلم رایش و اتو فنیشل، در خود اتحاد جماهیر شوروی نیز تلاش هایی برای روشن شدن رابطه بین روانکاوی و مارکسیسم و به ثمر رساندن آنها متقابل وجود دارد. الکساندر لوریا (۱۹۷۷-۱۹۰۲) متولد ۱۹۰۲، متعلق به نسل اول دانشمندان شوروی است. او به عنوان یک محقق جوان و با استعداد، نوشته های فروید را کشف کرد و متقاعد شد که روانکاوی با اهداف انقلاب سازگار است.

انسان می خواهد ابرمرد را خلق کند. برای لئون تروتسکی، روانکاوی وسیله ای برای تغییر جامعه بود:

اولریش ام اشمید ۲۱ فوریه ۲۰۱۲

در زمستان ۱۹۲۴ او مفهوم چارچوب خود را برای روانشناسی جدید و مونیستی در انجمن روانکاوی روسیه توضیح داد. منظور او از مونیسم این است که فروید روان را از بدن، فعالیت ها و محیط آن جدا نمی کند، بلکه زندگی ذهنی انسان را جنبه ای از یک سیستم پیچیده، پویا و مادی می داند. به عنوان چیزی که دائماً در حال تغییر است، دائماً در حال حرکت است. این حرکت ناهموار است، به صورت پرش می دود یا با موانعی روبرو می شود، اما در نهایت به مقصد می رسد که همه تضادها حل می شوند.

ایده خوش بینانه لوریا در مورد هدفمندی همه توسعه و غلبه نهایی بر تضادها مرهون سیستم فکری بلشویکی در مورد یک جامعه جدید است - حتی در آنجا جایی که او در واقع می خواهد در مورد روانکاوی صحبت کند، که همیشه یک نظریه تعارض باقی می ماند. مانند رایش، تاتیانا روزنتال و دیگر دانشجویان آرمان شهر فروید، لوریا تلاش می کند دیدگاه پیچیده، دیالکتیکی و در نهایت تراژیک فروید را در مورد تضاد اجتنابناپذیر بین خوشبختی فردی و خواسته های تمدن به جامعه ای مبهم در آینده، عاری از تنش، تضاد و نفی تبدیل کند .

پس از چند سال، علاقه رسمی کمونیست ها به پتانسیل تجدید اجتماعی روانکاوی یا تحمل خیرخواهانه آنها در برابر آن با نگرش بدگمانی قطعی نسبت به گرایشهای ذهنی و بورژوایی نظریه و روش روانکاوی جایگزین شد.

پایان